



۱۴

عبور از سد گروه خونی در اهدای عضو

۱۵

سموم بیولوژیکی را بی حساب استفاده نکنید

زیبایی‌های افسونگرِ «تون»

زندگی

دوشنبه ۲ اسفند ۱۴۰۰ شماره ۶۱۶۱



۱۶

جامعه

دیزگ

به خاطر روستای پدری

همه چیز از روستاها شروع می‌شود؛ روستاهایی که با توسعه بخش‌های کشاورزی، صنایع دستی و دام و طیور، می‌توانند بخش بزرگی از بار اقتصادی کشور را به دوش بکشند اما واقعا چقدر از این ظرفیت آنها استفاده می‌شود؟

پاسخ متخصصان این است که آن‌قدر که باید نیست! در واقع روستاها سرشار از فرصت‌های جدید و کشف نشده هستند که کشف و بهره‌برداری از این فرصت‌ها و ایجاد کسب‌وکارهای جدید می‌تواند مزایای اقتصادی چشمگیری برای روستاییان داشته باشد؛ اتفاقی که اگر عملی شود تاثیر زیادی در رشد اقتصادی روستاها و کاهش پدیده مهاجرت به شهرها دارد.

اما بهتر است دست روی چه نوع اشتغال و کسب و کاری در روستا گذاشته شود؟

صنایع دستی در روستاها می‌تواند نقش پررنگ و قدرتمندی را در رسیدن به این هدف داشته باشد. پوشاک، مسگری و بافندگی حصیر، جاجیم، قالی و... از هنرهای فراموش‌شده‌ای هستند که اگر دوباره زنده شود، زمینه‌های کسب درآمد در روستا فراهم می‌شود؛ موضوعی که برخی از روستاییان آن را فهمیده‌اند و روستایشان را به محلی توریستی برای شهرنشین‌های دورافتاده از طبیعت تبدیل کرده‌اند.

اما انگار که فارغ از کسب و کارهایی که با نام روستا پیوند خورده‌اند، مانند کشاورزی و دامداری و صنایع دستی، صاحبان کسب و کارهای اینترنتی هم می‌توانند بدون حد و مرز در سراسر کشور فعالیت کنند. البته که این فرصت نیازمند زیرساخت مناسب است و اگر شرایط فراهم شود بدون تردید، استارت‌آپ‌هایی مناسب از دل روستاها شکل خواهد گرفت. استارت‌آپ‌هایی که با سر و شکل روستایی می‌توانند جذاب و همه‌پسند باشند. تولید و فروش محصولات ارگانیک، گردشگری روستا، فروش لباس‌های محلی و ... همه از آن دست ایده‌هایی هستند که با در اختیار داشتن اینترنت و در دست گرفتن فضای مجازی می‌توانند به سرانجام خوبی برسند.

با در نظر گرفتن همه این موارد، به نظر می‌رسد که پرداختن به ایجاد کسب و کار و درآمدزایی در روستا می‌تواند نقطه عطفی برای دلگرم کردن جوانان به شهر و دیار خودشان باشند تا برای یافتن شغل، راهی شهرهای دیگر نشوند؛ هدفی که بسیاری از جهادگران و کارآفرینان به دنبالش هستند اما طبیعتا با دست خالی و به‌تنهایی از پس آن برنمی‌آیند؛ ایده‌های زیادی داریم که بسیاری از آنها تا نیمه راه رفته است اما از یک جایی به بعد به کمک‌های مالی و حتی فکری مسئولان هم نیاز داریم تا بتوانیم آن را به سرانجام برسانیم. این را آقای ربیع، یک جوان روستایی می‌گوید که دلش نمی‌خواست روستای پدری‌اش را ترک کند و مزروعی‌ای از پرورش شترمرغ به راه انداخت؛ کاری که به قول خودش آسان نبوده است اما حالا به جاهای خوبی رسیده است؛ «اینجا امکانات هست اما فکر و ایده و طبیعتا سرمایه اولیه‌ای می‌خواهد که هرکسی آن را ندارد.»

حیدری نژاد با ایجاد کارگاه‌های قالیبافی و تزیین دامداری برای رفع بیکاری در روستاهای شهرستان نهاوند تلاش می‌کند.



در گزارش امروز با طلبه‌ای جوان آشنا می‌شوید که برای توانمند کردن روستاییان تلاش می‌کند

اشتغال‌زایی با دام امانتی

هم گذشته است و پرورش گوسفند و مدیریت آغل آنها، به صورت حرفه‌ای و زیر نظر جهاد کشاورزی صورت می‌گیرد «همه این گوسفندها پلاک‌گذاری شده‌اند و همه چیز به صورت واضح و مشخص پیش می‌رود.» اما حالا و با وجود این همه نظم و مدیریت، چه اتفاقی در روستا افتاده است؟ «اینجا دام، به عنوان قرض الحسنه در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی به کسی که توانایی رسیدگی به آنها را دارد، ۲۰ راس دام به امانت می‌دهیم و می‌گوییم اینجا به مدت یک سال دست شما. در این مدت، هرچه زاد و ولد کرد هم خودت بردار و بعد از گذشت مدت مشخص شده، اصل دام را به ما بازگردان!» اما سرمایه اولیه راه اندازی کارگاه قالیبافی و تهیه دام برای رسیدن به چنین نتیجه‌ای، چطور به دست آمده است؟ سوالی که حیدری نژاد پاسخش را در سرمایه‌گذاری موقت در راه افتادن چرخه کسب‌وکار به هر نحو و شکلی می‌داند «آن روزهای اول، خودرویم را فروختم و بخشی از پول مورد نیاز برای این کار را تهیه کردم؛ بخش دیگر را هم از خبری‌نی که می‌شناختم کمک گرفتم تا به راه افتادن این چرخه کسب‌وکار کمک کنند.» اتفاقی که خوشبختانه به نتایج خوبی رسید و او توانست بعد از مدتی، همان مقدار اولیه پول خیرین را هم به آنها برگرداند «مگر مهم این نیست که مشکلی حل و گرهی باز شود؛ همین که برای مدتی سرمایه‌شان را در اختیار ما گذاشتند، یعنی بهترین خبری را که می‌توانستند برسانند، رسانده‌اند!» در واقع او می‌گوید خبریانی که چنین اقداماتی انجام می‌دهند، فارغ از سیر کردن چند خانواده به صورت موقتی، سرانه اشتغال را بالا می‌برند و چه خبری بیشتر از این برای مردم و جامعه؟

بفرمایید تسهیلات

حالا از آن اوضاع و احوالی که ۴۵ هزار تومان پارانه، تنها دارایی و سرمایه خانواده‌ای برای گذران زندگی بود، اهالی روستا به جایی رسیده‌اند که می‌توانند وام‌های میلیونی از صندوق قرض الحسنه‌ای بگیرند که به تازگی در محل‌شان راه افتاده است؛ صندوقی که نه سودی دارد و نه ضامنی

پای اعتقاد در میان است

حیدری نژاد این روزها به تهران آمده تا فرش‌های دستباف قالیبافان‌ش را در بازار تهران بفروشد و بتواند حقوق قالیبافان‌ش را به آنها بدهد؛ فرش محصولی نیست که خیلی سریع و راحت فروش برود و لازم است برای‌ش زمان گذاشته شود و به اندازه ارزشش، فروخته شود. «حالا بعد از گذشت این چند سال، در روستا یک مرکز کارآفرینی شکل گرفته است؛ همه افراد به کارشان مشغول هستند و می‌دانند که قرار است به چه نتیجه‌ای برسند. سرپرستان کارگاه، نظارت می‌کنند، مباحثان مشکلات پیش آمده را حل و فصل می‌کنند و شاغلان هم مشغول درآمدزایی هستند. در واقع حیدری نژاد به صورت حرفه‌ای مشغول اشتغال‌زایی است؛ کاری که هم برای خودشان و هم برای تعداد زیادی از آدم‌ها سود و درآمد خوبی دارد «اگر من خیلی به کاری که انجام می‌دهم، ایمان دارم، بهتر است منبع درآمد خودم هم همین باشد دیگر!» و همین هم هست؛ او به درستی کاری که انجام می‌دهد، اعتقاد دارد «مثلا این فرش ۱۵ میلیون تومان هزینه برداشته است و ما آن را ۳۰ میلیون تومان می‌فروشیم. بعد هم این طور حساب می‌کنیم که یک سوم فرش پای دستمزد رفته است، یک سوم برای مواد اولیه و یک سوم باقی مانده سود است که دوباره با همین سود، کار را توسعه می‌دهیم.» توسعه‌ای که امروز از سه چهارتا دار قالی، به ۷۵ دار رسیده است که روی هر دار، سه نفر کار می‌کنند؛ «حالا متوجه شدید که از چه نوع کسب و کاری صحبت می‌کنم؟»



نگیس خاتعلی‌زاده

جامعه

محل فعالیت‌شان جایی در بین مرز همدان و لرستان است؛ منطقه‌ای که تا مدتی پیش در آن خبری از کسب‌وکار و درآمدزایی نبود و مردمان لک و لور و کردش، با همان مقدار پارانه‌ای که به اعضای خانواده‌شان تعلق می‌گیرد روزگار می‌گذراندند. این را حامد حیدری نژاد می‌گوید که یکی دو سالی هست که نامش بر سر زبان اهالی این منطقه افتاده است؛ طلبه جوانی که فعالیت‌هایش را از معلمی و تدریس شروع کرد و حالا به همراهی گروهی از دوستانش، مشغول گسترش فرصت‌های شغلی و کارآفرینی در مناطق محروم و دورافتاده است. فکری که بعد از شیوع ویروس کرونا و مجازی شدن مدرسه‌ها به سرش افتاد و بار و بند پیش را جمع کرد و به نه‌اوند و روستاها اطراف شهر پدری‌اش رفت اما انگار زندگی چند روزه در این مناطق و دیدن وضعیت بی‌رونی اقتصادی اهالی آنجا کافی بود تا به فکر راه انداختن موقعیت‌های اشتغال متناسب با شرایط یک بازی دوسر برد برای خودش و البته هم‌ولایتی‌هایش که این روزها و با جان گرفتن مشاغل قالیبافی و دامپروری، زندگی بهتری را می‌گذرانند.

«می‌گویم آقا کارگر می‌خواهم، روزی ۲۰۰ هزار تومان! اما نمی‌آید.» حامد حیدری نژاد، طلبه جوان از عادت بد برخی آدم‌ها برای هیچ‌کاری نکردن و منتظر نشستن می‌گوید! از این‌که برخی افراد با وجود دست و پا زدن در فقر و فراهم شدن موقعیت شغلی، اما ترجیح می‌دهند بنشینند و اگر کمک راحت و رایگانی از سمت کسی به آنها رسید، مصرفش کنند؛ «مثلا افراد زیادی را دیده‌ام که حرفه بنایی بلد هستند اما وقتی درخواست بنایی با حقوق خوب به آنها می‌دهیم، قبول نمی‌کنند! انگار که به کار نکردن عادت کرده‌اند. راستش را بخواهید در این دو سال که به‌واسطه کرونا بیشتر در این مناطق حضور دارم، نگاهم خیلی عوض شده است. حالا به این نتیجه رسیده‌ام که اتفاق و کمک‌های بلاعوض، نمی‌تواند چاره درد افراد باشد بلکه هنر این است که چرخه‌ای ایجاد کنیم تا هیچ‌کس به کمک و اتفاق نیاز نداشته باشد.» او یک کار خیر ماندگار را بهتر از کمک یک شبه‌ای می‌داند که فردایش تمام شده و دیگر وجود ندارد؛ «اقتصاد، جزوی از واقعیت زندگی همه آدم‌هاست؛ پس چه بهتر که بتوانیم برای زندگی بهتر، گردش مالی ایجاد کنیم و یک میلیون را دو میلیون تومان کنیم.» او معتقد است که برای از بین بردن فقر در سراسر کشور، بهتر است دست روی خود فقر بگذاریم نه فقیر؛ آن وقت است که با امتحان کردن روش‌های دیگری از کار خیر و نیک می‌توانیم چرخه شغلی و درآمدی به راه بیندازیم؛ «نیکوکاری رami شناسم که می‌گوید در طی چند ماه گذشته، بیشتر از ۲۴۰ میلیون بسته ارزاق در مناطق محروم توزیع کردیم اما من نمی‌دانم که بگویم کار درستی کردید یا غلط. می‌دانید اگر این ۲۴۰ میلیون تومان، وارد چرخه کار و درآمد شود، می‌توان با آن چند شغل ایجاد کرد؟ شاید بهتر است که در انجام کار خیر و نیک، تجدید نظر کنیم.»

صدای دغه‌ها بلند شده است

حالا مدت‌هاست که صدای دغه‌های قالیبافی از جای‌جای روستا به گوش می‌رسد؛ شغلی که باعث تولید ارزش افزوده‌ای شده است که سودآوری خوبی برای اهالی دارد «تقریبا همه مردمان اینجا، هنر قالیبافی بلدند و می‌توانند از این هنر محلی و خانوادگی، درآمد خوبی داشته باشند.» هنری که حیدری نژاد با راه انداختن چند کارگاه قالیبافی، دوباره زنده‌اش کرد و فرصت درآمدزایی در منطقه‌ای را



روابط عمومی: ۰۲۳۰۰۴۴۴۴

نوام- ازدواج

دوستی از تهران:

امیدوارم وام ازدواج برای همه سنین یکسان شود و شرط سنی، پیش شرط پرداخت وام نباشد. کسانی که دیر ازدواج می‌کنند به احتمال فراوان شرایط مالی خوبی ندارند و نیاز به این وام دارند.

هزینه- دندان پزشکی

مهربان از تهران:

هر سال تعرفه دندان پزشکی به صورت نجومی افزایش می‌یابد. به عنوان مثال برای روکش یک دندان باید هزینه‌ای بین دو تا سه میلیون تومان پرداخت کنیم که با شرایط اقتصادی موجود این هزینه برای قشر ضعیف جامعه سرسام‌آور است.

چیتگر- اتوبوس

اکبریپور از تهران:

در محدوده محله دریاچه چیتگر و شهرک شهید باقری واقع در منطقه ۲۲ فقط یک خط اتوبوسرانی وجود دارد که کمبود اتوبوس در این خط موجب معطلی ۳۵ تا ۴۵ دقیقه‌ای شهروندان در ایستگاه‌ها می‌شود.

گودبرداری- ساعت

رضایی از تهران:

آیا برای گودبرداری و بتون ریزی ساعت مشخصی در نظر گرفته نشده است. در خیابان ۱۱۳ تهران پارس کارگاه‌های ساختمان سازی هیچ ساعتی را رعایت نمی‌کنند و همیشه مشغول کار هستند و این ماجرا مزاحش شهروندان را برهم زده است.

جوابیه

در پی درج پیمای یکشنبه ۲۶ دی ماه ۱۴۰۰ با عنوان «دستفروش- مترو» سرپرست مدیریت ارتباطات و امور بین‌الملل شرکت بهره‌برداری متروی تهران و حومه با ارسال نمابری اعلام کرد: شرکت بهره‌برداری متروی تهران و حومه به هیچ عنوان موافق حضور دستفروشان و متکدیان در ایستگاه‌ها و قطارهای خطوط هشتگانه مترو نبوده و نخواهد بود. برای دستفروشان که به‌خصوص در روزهای بحرانی شیوع ویروس کرونا، آرامش را از مسافران محترم گرفته‌اند، باید چاره‌ای اندیشیده شود و ساماندهی این افراد نیازمند همراهی جدی سازمان‌های متولی است و اقدامات این شرکت به‌تنهایی نمی‌تواند کارساز و مفید باشد. گفتنی است که شرکت بهره‌برداری مترو در خصوص رسالت خود برای تأمین امنیت و آرامش مسافران محترم در طول سفر به بخش پیام‌های بازدارنده از طریق پیج ایستگاه‌ها و بخش فیلم‌های آموزشی اقدام کرده و مضرات خرید از دستفروشان و کمک به متکدیان داخل ایستگاه‌ها را به اطلاع مسافران می‌رساند.